

ساخت زبان فارسی امروز

بر پایه نظریه گشتار زایی

وحید رنجبر



تاکنون چندین کتاب در حوزه دستور زبان فارسی بر پایه
نظریه‌های زبان‌شناسی تألیف و چاپ شده‌اند که هر کدام
ویژگی‌ها و کاستی‌هایی دارند.

در کتاب حاضر با بهره‌گیری از نظریه‌های زبان‌شناسی
جداشده از نظریه گشتار زبانی مانند زبان معیار، حاکمیت و
مرجع‌گزینی، ایکس - تیره و ... سعی شده است از نظریه‌ای
بهره گرفته شود که بهتر، جامع‌تر و آسان‌تر بتوان هر
بخش از زبان فارسی را توصیف و تبیین کرد.

(از مقدمه کتاب)



ساخت زبان فارسی امروز



سرشناسه: رنجبر، وحید، ۱۳۵۹ -
عنوان و نام پدیدآور: ساخت زبان فارسی امروز بر پایه نظریه گشتار زیایی / وحید رنجبر.
مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۱۱۹ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۸-۲۱۵-۱
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
یادداشت: واژه‌نامه.
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: فارسی - دستور.
موضوع: فارسی
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ س ۲۸۵/ PIR۲۷۷.
رده‌بندی دیویی: ۴۵۰.
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۹۶۱۵۳۸

ساخت زبان فارسی امروز

بر پایهٔ نظریهٔ گشتار زیایی

وحید رنجبر

انتشارات ققنوس

تهران، ۱۳۹۴



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۶۶۴۰۸۶۴۰

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات ققنوس

وحید رنجبر

ساخت زبان فارسی امروز

بر پایه نظریه گشتار زبانی

چاپ اول

۵۵۰ نسخه

زمستان ۱۳۹۴

چاپ ترانه

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۸-۲۱۵-۱

ISBN: 978-600-278-215-1

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۷۰۰۰ تومان

فهرست

پیشگفتار.....	۱۱
مقدمه.....	۱۳
زبان چیست؟.....	۱۳
تاریخ زبان فارسی.....	۱۴
۱. کلیات زبان‌شناسی.....	۱۷
واج‌شناسی.....	۱۷
الف) واکه (v).....	۱۷
ب) همخوان (c).....	۱۸
هجا.....	۲۱
تکواژ.....	۲۲
الف) تکواژهای آزاد واژگانی (واژه‌های قاموسی).....	۲۲
ب) تکواژهای آزاد دستوری (واژه‌های نقش‌نما).....	۲۲
ج) تکواژهای وابسته واژگانی (اشتقاقی).....	۲۲
د) تکواژهای وابسته دستوری (تصریفی).....	۲۲
ه) واژه‌بست.....	۲۳
واژه.....	۲۳

- گروه ۲۴
- سازه ۲۴
- عناصر نوایی ۲۴
- تعریف دستور زبان ۲۶

۲. عناصر جمله ۲۷

فعل ۲۷

الف) فعل ساده ۲۷

چند تعریف ۲۸

بن حال (b_h) ۲۸

بن گذشته (b_g) ۲۹

۱) بن گذشته اصلی (b_{sg}) ۲۹

۲) بن گذشته واداری (b_{vg}) ۳۱

جهت ۳۱

تکواژ جهت معلوم (l) ۳۱

تکواژ جهت مجهول ($\bar{i}$) ۳۱

شناسه (p) ۳۲

فعل امری ۳۲

فعل حال و گذشته ساده ۳۳

نمود استمراری (m) ۳۴

نمود ملموس (u) ۳۵

بعد (b) ۳۷

حالت ۳۸

نفی (n) ۴۲

فعل آینده ۴۲

ب) فعل پیشوندی ۴۴

- ج) فعل مرکب ۴۵
- فعل وجهی (F^q) ۴۶
- تکواژ مصدری ۴۶
- گروه فعلی ۴۶
- تکواژهای سازنده فعل ساده ۴۷
- ۱) تکواژهای آزاد واژگانی (واژه‌های قاموسی) ۴۷
- ۲) تکواژهای وابسته دستوری (تصریفی) ۴۷
- ۳) تکواژهای وابسته واژگانی (اشتقاقی) ۴۸
- قاعده‌های زیرمقوله‌ای نحوی فعل ۴۸
- زمان حال ۴۹
- زمان گذشته ۵۰
- گزاره مرکب واژه فعل حال در زبان فارسی ۵۲
- گزاره مرکب واژه فعل گذشته در زبان فارسی ۵۲
- گروه اسمی ۵۳
- الف) واژه اسم ساده ۵۴
- تکواژ شمار (p) ۵۴
- تکواژ نکره ۵۶
- ب) واژه اسم پیچیده ۵۶
- ب-۱) اسم پیچیده اشتقاقی ۵۷
- ب-۱-۱) اسم‌های پیچیده اشتقاقی حاصل از فعل ۵۷
- ب-۱-۲) اسم‌های پیچیده اشتقاقی حاصل از اسم یا صفت ۵۹
- ب-۲) واژه اسم پیچیده مرکب ۶۰
- ب-۲-۱) اسم مرکب مقلوب ۶۰
- ب-۲-۲) اسم مرکب فعلی ۶۱
- ب-۲-۳) اسم مرکب گروهی ۶۲
- ب-۲-۴) اسم مرکب اشتقاقی ۶۳

ضمیر (Z)	۶۴
ضمیر شخصی جدا	۶۴
ضمیر شخصی پیوسته (ضمیر پی‌بستی) (Z^s)	۶۴
ضمیر مشترک	۶۵
ضمیر اشاره	۶۶
ضمیر پرسشی (Z^p)	۶۶
ضمیر تعجبی	۶۶
ضمیر مبهم	۶۶
ضمیر شمارشی	۶۷
ج) گروه اسمی	۶۷
تکواژهای وابستهٔ دستوری (تصریفی) اسم	۷۰
قاعده‌های زیرمقوله‌ای نحوی اسم	۷۰
گروه صفتی	۷۰
۱) صفت بیانی	۷۱
الف - ۱) صفت ساده	۷۱
الف - ۲) صفت فاعلی	۷۱
الف - ۳) صفت مفعولی	۷۱
الف - ۴) صفت نسبی	۷۱
الف - ۵) صفت لیاقت	۷۱
تکواژهای مقایسه‌ای	۷۱
ب) صفت اشاره (S^E)	۷۲
ج) صفت پرسشی (S^p)	۷۲
د) صفت تعجبی (S^T)	۷۲
ه) صفت مبهم (S^M)	۷۲
و) صفت شمارشی	۷۳
۱) شمارشی	۷۳

۷۳		ترتیبی (۲)
۷۳		کسری (۳)
۷۳		توزیعی (۴)
۷۴		واژه صفت ساده (۱)
۷۴		واژه صفت پیچیده (۲)
۷۴		واژه صفت پیچیده اشتقاقی (۱-۲)
۷۴		واژه صفت پیچیده اشتقاقی از فعل (۱-۲)
۷۵		واژه صفت پیچیده اشتقاقی از اسم یا صفت (۲-۱-۲)
۷۷		واژه صفت پیچیده مرکب (۲-۲)
۷۷		صفت پیچیده مرکب گروهی (۱-۲-۲)
۷۸		صفت پیچیده مرکب اشتقاقی (۲-۲-۲)
۷۹		گروه صفتی (۳)
۸۱		تکواژهای وابسته دستوری (تصریفی) صفت
۸۲		قاعده‌های زیرمقوله‌ای نحوی صفت
۸۲		گروه قیدی
۸۲		الف) واژه قید ساده
۸۲		الف-۱) واژه قید ساده واژگانی
۸۲		الف-۲) واژه قید ساده اشتقاقی
۸۳		تکواژ مقایسه‌ای
۸۳		ب) واژه قید مرکب
۸۳		ج) گروه قیدی
۸۴		تکواژهای وابسته دستوری (تصریفی) قید
۸۴		قاعده‌های زیرمقوله‌ای نحوی قید
۸۴		حرف اضافه
۸۵		گروه حرف اضافه‌ای
۸۵		گروه رایبی

۳. جمله ۸۷
- جمله ساده ۸۸
- الف) نهاد ۸۹
- ب) گزاره ۸۹
- ب-۱) گزاره با فعل ربطی (F^r) ۸۹
- ب-۲) گزاره با گروه فعلی ناگذرا (F^n) ۹۰
- ب-۳) گزاره با گروه فعلی گذرا (F^g) ۹۰
- حرف ربط ۱۰۱
- حرف ربط ناهمپایگی (n) ۱۰۱
- حرف ربط همپایگی (a) ۱۰۱
- جمله مرکب ۱۰۱
- جمله مرکب همپایه ۱۰۱
- جمله مرکب ناهمپایه ۱۰۲
- جمله مرکب شرطی ۱۰۴
- گشتار درونه‌ای بدلی، وصفی و اضافی ۱۰۴
- الف) بند درونه‌ای بدلی ۱۰۴
- ب) بند درونه‌ای وصفی ۱۰۵
- ج) بند درونه‌ای اضافی ۱۰۷
- شبه جمله ۱۰۸
- ۱) حرف ندا ۱۰۸
- ۲) صوت ۱۰۸
- دستور زبان فارسی ۱۰۹
- کتابنامه ۱۱۱
- واژه‌نامه ۱۱۵

پیشگفتار

نوشتن دستور زبان، یا دست‌کم چیزی شبیه آنچه امروز دستور زبان می‌دانیم، سابقهٔ چندانی در ایران ندارد. تا پیش از حاج محمدکریم کرمانی (قرن سیزدهم ه.ق.)، که کتابی مستقل برای دستور زبان فارسی به نگارش درآورد، کتاب مستقلی دربارهٔ دستور زبان فارسی نوشته نشده است، بلکه در برخی از فرهنگ‌ها یا دستورهای زبان عربی مانند المعجم فی معاییر اشعار عجم، منطق الخرس فی لسان الفرس، برهان قاطع، فرهنگ رشیدی و ... بخش کوچکی به چند قاعدهٔ دستور زبان فارسی اختصاص یافته است. دستور زبان کرمانی با نام صرف و نحو فارسی چنان‌که از نامش برمی‌آید بیشتر بر مبنای دستور زبان عربی است، چنان‌که می‌نویسد: «بدان که در جمیع لغات بنی‌آدم الفاظ از سه قسم بیرون نیستند: اسم و فعل و حرف، زیرا آنچه در عالم هست یا ذات چیزی است یا کار چیزی یا رابطه و نسبت میان دو چیز.» (کرمانی، قرن سیزدهم، به روایت صنیع ۱۳۷۱، ۹۳)

پس از کرمانی، میرزا حبیب اصفهانی دستور سخن در زبان فارسی (۱۲۸۷ ه.ق) را در شهر استانبول تألیف و چاپ می‌نماید و سپس در سال ۱۳۰۸ ه.ق خلاصهٔ آن را به نام دیستان سخن چاپ می‌کند. اثر میرزا حبیب پایهٔ بیشتر دستورهای سستی امروزی است. او می‌نویسد: «کلمه لفظی است که دلالت کند بر یک معنی و کلمه بر سه قسم است: اسم و فعل و حرف. اسم کلمه‌ای است که در رساندن معنی احتیاج به چسبیدن و اتصال به کلمهٔ دیگر ندارد و زمان را نمی‌رساند؛ ... فعل کلمه‌ای است که در رساندن معنی احتیاج به چسبیدن به کلمهٔ دیگر نیست، ولی یکی از زمان‌های سه‌گانه را می‌رساند؛ ... حرف کلمه‌ای است که در رساندن معنی احتیاج به چسبیدن به کلمهٔ دیگر دارد.» (اصفهانی ۱۲۸۷، به روایت صنیع ۱۳۷۱، ۱۱۸-۱۱۹)

پس از میرزا حبیب اصفهانی کسان دیگر از جمله رضاقلی‌خان طبرستان صاحب کتاب انجمن‌آرای ناصری، میرزا حسن حلبی (شعوری) صاحب کتاب لسان‌العجم (فرهنگ شعوری)، میرزا علی‌اکبرخان

ناظم‌الاطباء صاحب کتاب زبان‌آموز پارسی و غلام‌حسین کاشف صاحب کتاب دستور زبان فارسی نیز کتاب‌هایی درباره دستور زبان فارسی نگاشتند.

دستور زبان فارسی تألیف عبدالعظیم قریب که دنباله کار میرزا حبیب و کامل‌کننده آن بود، آغازگر موجی نو در دستورنویسی سنتی گردید و پس از آن دستور زبان فارسی پنج استاد تألیف استادان زبان فارسی عبدالعظیم قریب، ملک‌الشعرا بهار، بدیع‌الزمان فروزان‌فر، غلام‌رضا رشیدیاسمی و جلال‌الدین همایی که از مهم‌ترین دستور زبان‌های سنتی است، چراغ راه دستورنویسی در قرن حاضر خورشیدی بود.

از دیگر دستورنویسان سنتی می‌توان از دکتر عبدالرسول خیام‌پور، دکتر پرویز ناتل خانلری، عبدالرحیم همایون‌فرخ، دکتر محمدجواد شریعت، دکتر مصطفی مقربی، دکتر حسن احمدی‌گیوی و دکتر حسن انوری نام برد.

تاکنون چندین دستور زبان فارسی نیز بر پایه نظریه‌های زبان‌شناسی تألیف و چاپ گردیده‌اند که هرکدام ویژگی‌ها و کاستی‌های خود را دارند؛ از آن جمله‌اند: توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی از دکتر محمدرضا باطنی، دستور مختصر و دستور مفصل امروز از دکتر خسرو فرشیدورد، دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی از شهرزاد ماهوتیان، نحو زبان فارسی بر پایه نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی از دکتر سیدعلی میرعمادی، دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتار زیایی از دکتر مهدی مشکوة‌الدینی، شیوه استدلال نحوی از دکتر علی درزی و ...

در دستور زبان حاضر با بهره‌گیری از نظریه‌های زبان‌شناسی جداشده از نظریه گشتار زیایی مانند زبان معیار، حاکمیت و مرجع‌گزینی، ایکس-تیره و ... سعی شده است از نظریه‌ای که بهتر، جامع‌تر و آسان‌تر می‌توان هر بخش از زبان فارسی را توصیف و تبیین کرد، بهره گرفته شود و صرفاً دنباله‌روی یک نظریه نبوده‌ام چرا که هدف توصیف و تبیین هرچه بهتر و کامل‌تر زبان فارسی است و نه تبیین و راستی‌آزمایی نظریه‌ای خاص. همچنین در این کتاب قرار بر آموزش اصول نظری دستور زبان نیست و اصطلاحات نظری کمتر توضیح داده شده‌اند مگر در جایی که تعریف و توضیح یک اصطلاح شرح قاعده دستوری را واضح‌تر کرده باشد، در غیر این صورت آشنایی با اصطلاحات دستوری پیش‌فرض خواندن این دستور دانسته شده است. این دستور همچنین برخاسته از دل کتاب‌های دستور زبان بزرگان است و اگر نبود دستور زبان‌های آنان، این مختصر نیز هیچ‌گاه فراهم نمی‌گردید.

با احترام به تمامی بزرگان زبان فارسی

وحید رنجبر

کرمانشاه، دی‌ماه ۱۳۹۲

مقدمه

زبان چیست؟

«زبان مجموعه‌ای سامان‌مند از نشانه‌های اختیاری و قراردادی است که همچون نهادی اجتماعی برای برقراری ارتباط به کار می‌رود.» این تعریف دربرگیرنده چند نکته است: الف) زبان یک مجموعه است. در تعریف مجموعه داریم: گروهی از چیزها که در ویژگی نشان‌داری مشترک هستند، یعنی عناصر زبان از یک جنس هستند. مثلاً عناصر زبان در زبان گفتاری آواهای زبان هستند و ویژگی نشان‌دار آن نمود آوایی داشتن است. ب) زبان مجموعه‌ای سامان‌مند است، یعنی میان عناصر مجموعه زبان رابطه‌هایی برقرار است و با توجه به این رابطه‌هاست که عناصر زبان شکل می‌گیرند. مثلاً در زبان گفتاری هر آوایی جزو عناصر زبان به شمار نمی‌آید مگر این‌که رابطه‌های زبان را رعایت کند. ج) زبان مجموعه‌ای سامان‌مند از نشانه‌هاست، یعنی عناصر زبان نشانه هستند که بر طبق تعریف فردینان دو سوسور^۱ «نشانه زبانی نه یک شیء را به یک نام، بلکه یک مفهوم را به یک تصویر صوتی پیوند می‌دهد. تصویر صوتی آوایی مادی نیست که جنبه فیزیکی داشته باشد، بلکه اثر ذهنی این آواست ... نشانه زبانی جوهری ذهنی با دو رویه است که می‌تواند به یاری تصویر زیر نمودار شود:



1. Ferdinand. de Saussure

این دو عنصر کاملاً به هم پیوسته‌اند و یکی دیگری را به یاد می‌آورد ... ترکیب مفهوم و تصویر صوتی را نشانه می‌نامیم ... پیشنهاد می‌کنم که واژه نشانه تنها برای اطلاق به کل پدیده مورد استفاده قرار گیرد و متقابلاً معنی (مدلول) و صورت (دال) جانشین مفهوم و تصویر ذهنی شود.» (سوسور ۱۳۸۲، ۹۶-۹۸؛ د) زبان مجموعه‌ای سامان‌مند از نشانه‌های اختیاری است، یعنی رابطه ذاتی، مستقیم و بدیهی میان صورت و معنی وجود ندارد و کاربران زبان دلبخواهی و اختیاری یک صورت را به یک معنی نسبت می‌دهند. ه) زبان مجموعه‌ای سامان‌مند از نشانه‌های اختیاری و قراردادی است، یعنی با آن‌که نشانه‌های زبان اختیاری هستند ولی باید میان جامعه زبانی^۱ یک زبان قرارداد شود و هرکسی نمی‌تواند دلبخواهی هر صورتی را به هر معنی‌ای نسبت دهد، بلکه باید جامعه زبانی یک زبان آن را بپذیرد. مثلاً من نمی‌توانم دلبخواهی از امروز به جای واژه کتاب برای نامیدن مفهوم کتاب، واژه شپلوخبا را به کار ببرم و انتظار داشته باشم دیگران هم آن را بفهمند و به کار ببرند، مگر این‌که این واژه را جامعه زبانی فارسی بپذیرد و قرارداد شود. و) زبان همچون نهادی اجتماعی است، مانند سایر نهادهای اجتماعی هماهنگ با جامعه است و اختلاف در انواع جامعه‌ها، بروز رخدادهای اجتماعی و ... بر آن تأثیر مستقیم می‌نهد و سبب اختلاف‌ها و دگرگونی‌هایی می‌شود. ز) زبان نهادی اجتماعی است که برای برقراری ارتباط به کار می‌رود، مهم‌ترین و نخستین نقش زبان برقراری ارتباط میان سخنگویان زبان است و این اصلی‌ترین وظیفه این نهاد اجتماعی است که بشر آن را به وجود آورده است.

تاریخ زبان فارسی

زبان فارسی یکی از زبان‌های خانواده زبان‌های هندواروپایی است. از زبان هندواروپایی آغازین، حدود ۴۰۰۰ تا ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد، زبان‌های گوناگونی منشعب شده‌اند. یکی از شاخه‌های جدا شده از زبان هندواروپایی آغازین شاخه هندوایرانی است، حدود ۲۰۰۰ تا ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد، که از آن زبان فرضی ایرانی باستان یا ایرانی آغازین، از حدود ۱۵۰۰ تا ۷۰۰ سال پیش از میلاد، منشعب گردیده است. زبان ایرانی باستان مادر همه زبان‌های ایرانی است. از این زبان هیچ سندی در دست نیست و فقط می‌توان با توجه به نوشته‌هایی از زبان‌های کهن‌تر و زبان‌های کنونی آن را بازسازی کرد.

دوره زبان‌های ایرانی را به سه دوره باستان، میانه و نو تقسیم می‌کنند. زبان‌های باستان ایرانی از حدود سال ۷۰۰ پیش از میلاد تا تقریباً اواخر دوره هخامنشیان در ایران رواج داشته‌اند. در این دوره از چهار زبان سکایی، مادی، فارسی باستان و اوستایی اسناد و مدارکی باقی مانده است. دوره میانه از اوایل دوره اشکانیان تا تقریباً اوایل دوره اسلامی یا اواخر دوره ساسانی است. از پایان دوره

۱. Language Society: گروهی از افراد که با گفتار به یک زبان با هم ارتباط متقابل دارند.

باستان تا آغاز دوره میانه حدود صد و اندی سال دوره تاریک تاریخ زبان ایران است که اسنادی از وضع زبان‌های ایرانی در آن دوران در دست نیست. زبان‌های دوره میانه را می‌توان به دو گروه شرقی و غربی تقسیم نمود. زبان‌های پارسی (پهلوی اشکانی)، فارسی میانه (پهلوی ساسانی) و کردی آغازین از زبان‌های غربی میانه و زبان‌های سغدی، بلخی، سکایی و خوارزمی از زبان‌های شرقی میانه می‌باشند. از اوایل دوره اسلامی تاکنون نیز دوره نو زبان‌های ایرانی است که در شاخه غربی آن فارسی (دری)، تاجیکی، کردی، بلوچی و ... را می‌توان نام برد.

فارسی باستان را مادر فارسی میانه و فارسی میانه را نیز مادر فارسی امروزی می‌دانند، ولی باید در نظر داشت در فارسی امروزی واژه‌های بسیاری از دیگر زبان‌های ایرانی چه باستانی، چه میانی و چه نو وجود دارد. همچنین پس از ورود اسلام به ایران واژه‌های بسیاری از عربی وام گرفته شد و در قرن اخیر نیز به واسطه پیشرفت‌های دانش و فناوری و تغییر الگوی زندگی واژه‌هایی از زبان‌های اروپایی مانند لاتین، یونانی، فرانسه، انگلیسی و ... وام گرفته شده است.

امروزه فارسی زبان رسمی ایران، افغانستان و تاجیکستان است. با این‌که تفاوت چندانی در زبان ایران، افغانستان و تاجیکستان وجود ندارد ولی به دلیل برخی ملاحظات عمده سیاسی، زبان فارسی را در افغانستان دری و در تاجیکستان تاجیکی می‌نامند.